

صنایع سنگی ناحیه رود فهرج (لوت جنوبی)

ژ - هنزلن (استاد زمین شناسی گان) ترجمه: احمد معتمد:

محل: لوت جنوبی: در ۱ کیلومتری غرب فهرج تقریباً در قسمت جنوبی جاده بم
ارتفاع متوسط ۷۷ متر (نقشه شماره ۱)

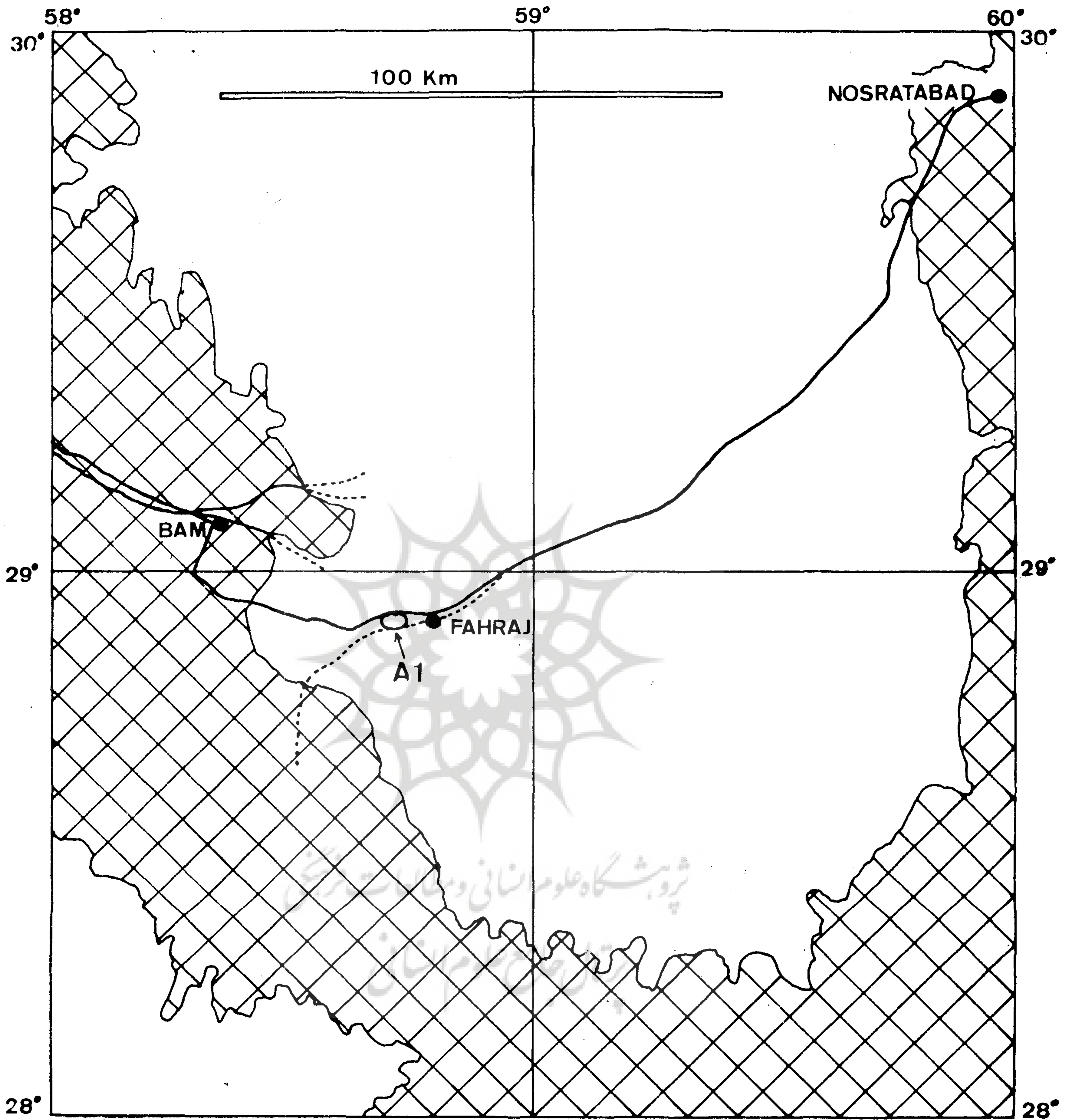
موقعیت زمین شناسی: زمین از لیمونهای آبرفتی که دارای مقدار کمی یا اصولاً
فاقد ژپس است تشکیل شده رنگ آن استاندارد γR تا $\gamma/5$ در حالت خشک
و γR تا $5/3$ در حالت مرطوب میباشد و دارای لکه های پراکنده است. کناره
جنوبی رود فهرج دیواره کوتاهی است که در اثر فرسایش قطع گردیده ولی دیواره
شمالی از مواد لیمونی فرسایش یافته است و فقط بصورت تپه شاهی به بلندی ۴
تا ۶ متر باقی مانده است. (کلوت)

بین این تپه های شاهد کلوت مانند سطح برجسته ای تقریباً ممتد که چیزی
جز سطح قدیمی آبرفتی نیست بصورت تراس برجای مانده است.
قسمت فوقانی این تراس را ماسه های درشت با چینه بندی متقاطع و قلوه سنگها
پوشانیده است.

در یک ناحیه کوچک آثار قلوه سنگی کمی برجسته تر وجود دارد که نشان از
سفره ای قدیمی تر است.

قلوه سنگهایی که به این ترتیب در اثر فرسایش از توده اصلی جدا میشوند روی
شیب ملایم حرکت کرده و تپه های شاهد لیمونی میغلطند. در (شکل ۲)
ارتباط توپوگرافی قسمتهای مختلفه منطقه مشخص شده است.

کلسیون = سنگهای شکل یافته تراش دار فاقد تراکم محلی بوده و در سطح
پراکنده اند از این نظر در سطح وسیعی، حدود یک کیلومتر در اطراف محل مورد بررسی

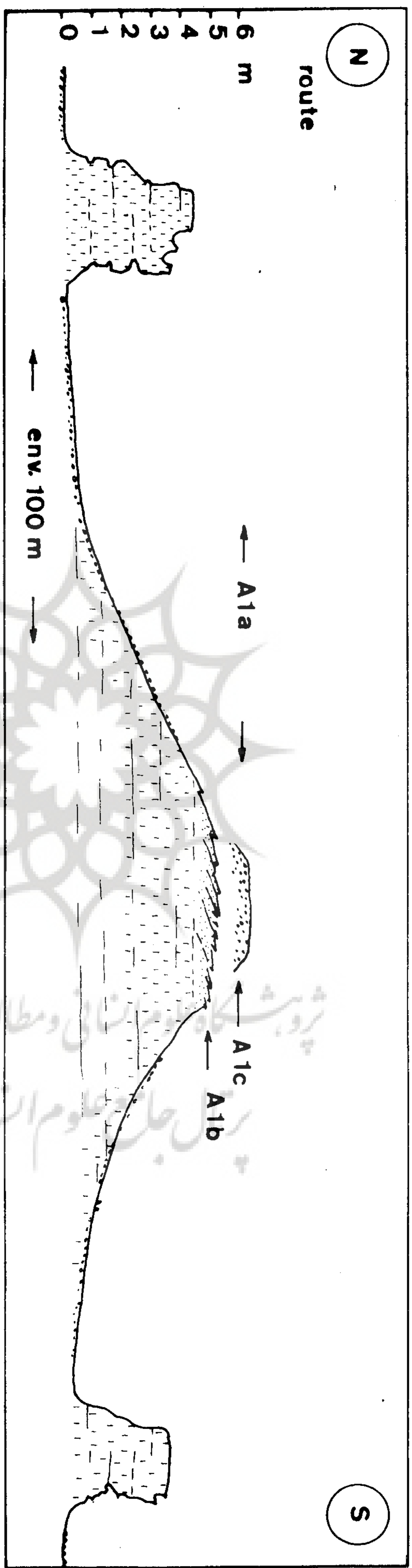


شکل ۱

محل مطالعه - باهاشور ارتفاعات بيش از ۱۰۰۰ متر نشان داده شده است

Fig. 1: Localisation . Les reliefs superieurs a 1000 m sont hachures (d'apres USAF Operational Navigation Chart).

۳۰/۴



محل جمعآوری نمونه A در رود فخرج (لیست A) نیخ شاتیک

شکل ۲

Fig. 2: Site A du Rud-e-Fahraj.
Profil schematique

قرار گرفته‌اند با کمک آقای وین از این سطح فقط ۳ عدد سنگ دستکاری شده بدست آمد صورتی که با تردید قابل تشخیص بوده دورانداخته شد .
مجموعه اشیاء در سه محل به نحو زیر بدست آمده است:
APC = فرش قلوه سنگی پائین تر از حد تراس
Alb = حدی بالای تراس به ویژه در قسمت شرق آن .
Alc = قسمت قلوه سنگی فوقانی گنبدی شکل که کمی بالاتر از تراس قرار گرفته است .

بررسی نمونه‌ها

بنظرمی‌آید که در این محل سه نوع از صنایع سنگی مربوط به انسان با توجه به شواهد زیر بدست آمده است .

- ۱ - وضع توپوگرافی .
- ۲ - وضع سطوح قلوه سنگها
- ۳ - جنس مواد

این سه نوع صنعت را برای سهولت مطالعه با کلمات رودفهرج آلفا Ala و بتا β Alb و گاما Aly می‌نامیم .

این مجموعه‌ها فاقد ارزش طبقه‌بندی دقیق بوده و فقط برای تمیز و تشخیص از یکدیگر بکار می‌روند چون اثر فرسایش بادی بر سطح آنها دید شده و سلامت آنها از بین رفته است - بعلاوه اختصاصات هر طبقه با یکدیگر تداخل کرده و مجموعه سنگهای برداشته شده صفات مختلط دارند .

- صنعت فهرج رود - آلفا - شکل ۳

Alb و Alc : سنگهای این قسمت محتملا از سفره قلوه سنگی قدیمی تر و یا از

سطح تراس اصلی مشتق شده‌اند .

مواد : سنگهای آذرین سیاه و قرمز رنگ

حالت سطح : کمی فرسایش یافته .

سه نمونه = دو عدد با تراش تیغه‌ای دستکاری شده و یکی نوک تیز با برداشت قسمت خلفی ، اندازه این نمونه‌ها از دو قسمت دیگر بزرگتر است .

صنعت سنگ فهرج بتا = (شکل ۴)

محل جمع آوری Ala و Apl

این سنگها از قله تراس اصلی منشعب شده و در داخل تراس قرار گرفته است

جنس مواد : سنگهای سیلیسی - غالباً بارنگهای روشن

وضع سطح قله‌سنگها ، سنگهای سائیده شده به ویژه در منطقه پال سطوح

ده نمونه سنگی

یک هستک مخروطی - شش عدد با تراش مختلف کم و بیش دستکاری شده

یک تکه قداسی از تیغه کوتاه شده و کناره‌ها دستکاری شده ، یک تکه قداسی از

تیغه کوتاه شده و کناره‌ها دستکاری شده ، یک تیغک از کالسه دوآن که روی قسمت

تیغه قداسی قرار میگرفته ، یک خراشنده چنگک مانند .

صنعت رود فهرج . گاما

محل پیدایش = Ala ، Apl ، Aly که در تمام سطح زمین غیر از بالای تپه‌های

شاهد یا کلوت‌ها پخش بوده است :

جنس = از سنگهای سیلیسی بارنگهای مختلف

حالت سطح = یالها تیز بوده و کمی اثر فرسایش بادی در آنها دیده میشود .

دو عدد به شکل گوی نامنظم ، شش عدد تراش مختلف که از آنها سه عدد

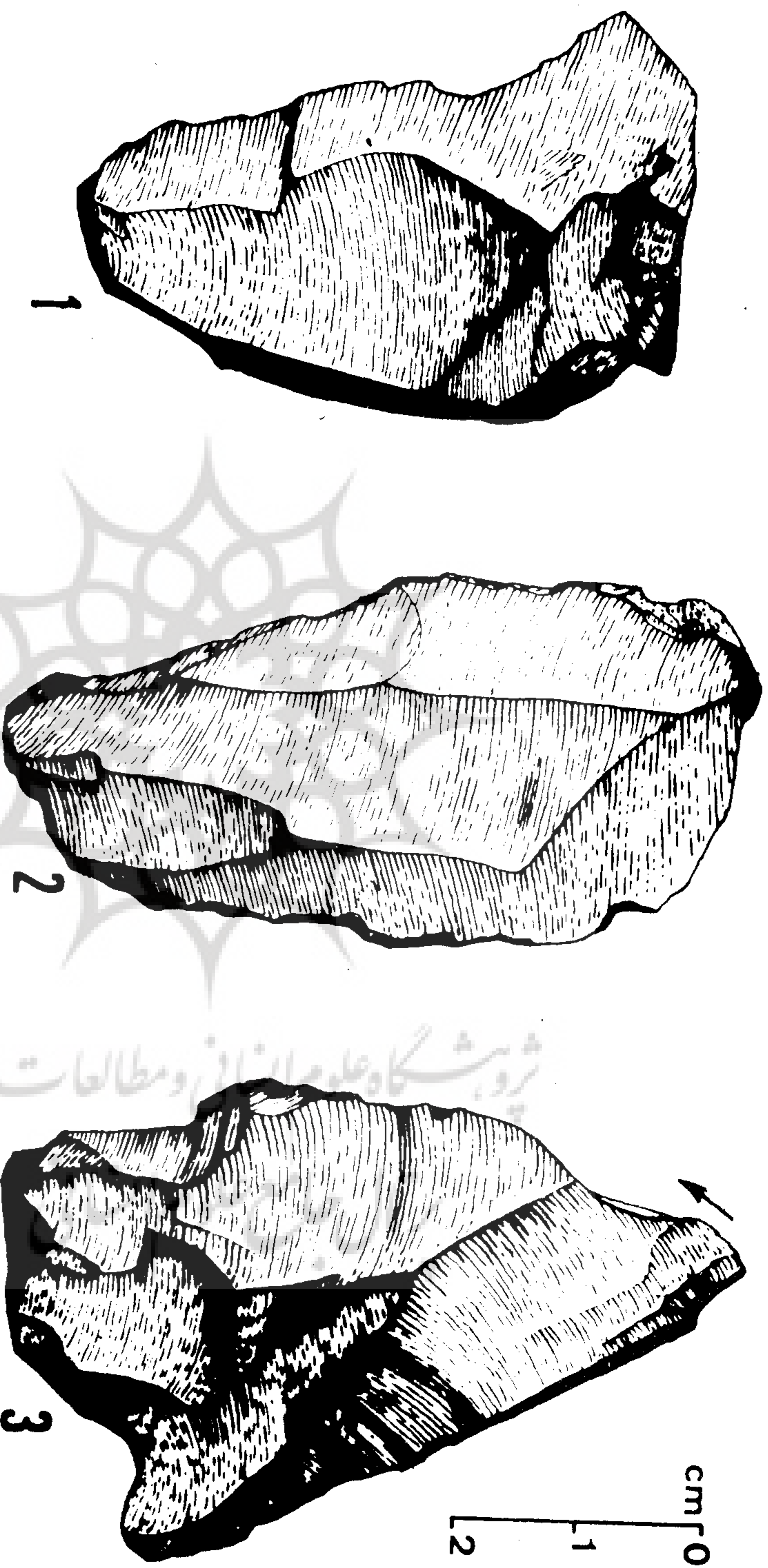
شکسته شده است .

دوسنگ با تراش تیغه‌ای مثل چاقو : یک تیغک نوک تیز ، دو تکه میانی از

تیغه کوتاه یک تکه قداسی از تیغه کوتاه : یک چنگک ضخیم روی هسته تیغه‌ای

کوچک یک دستگیره با تیغه تراش کوچک ، دو تیغک با قسمت قداسی برگشته .

دو تیغک با اثر دستکاری مداوم در دو طرف تیغک .



شکل ۳

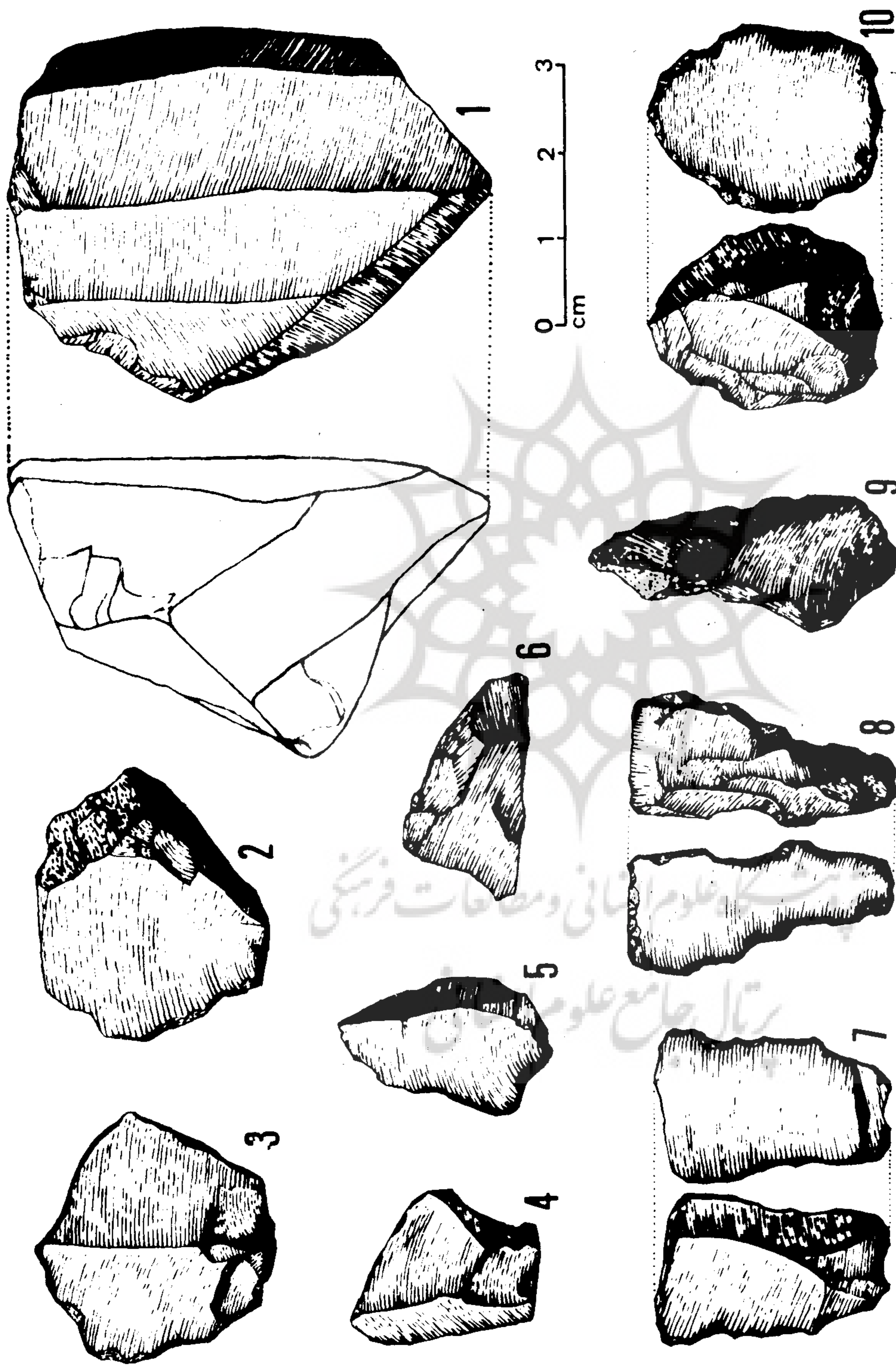
رود فیراج ، آلفا نمونه‌های سنگی

Fig. 3. Rud-e-Fahraj-alpha.

1 et 2 = éclats laminaires 3 = pointe levalliois avec enlèvement de burin.

۳۱

۳/۲

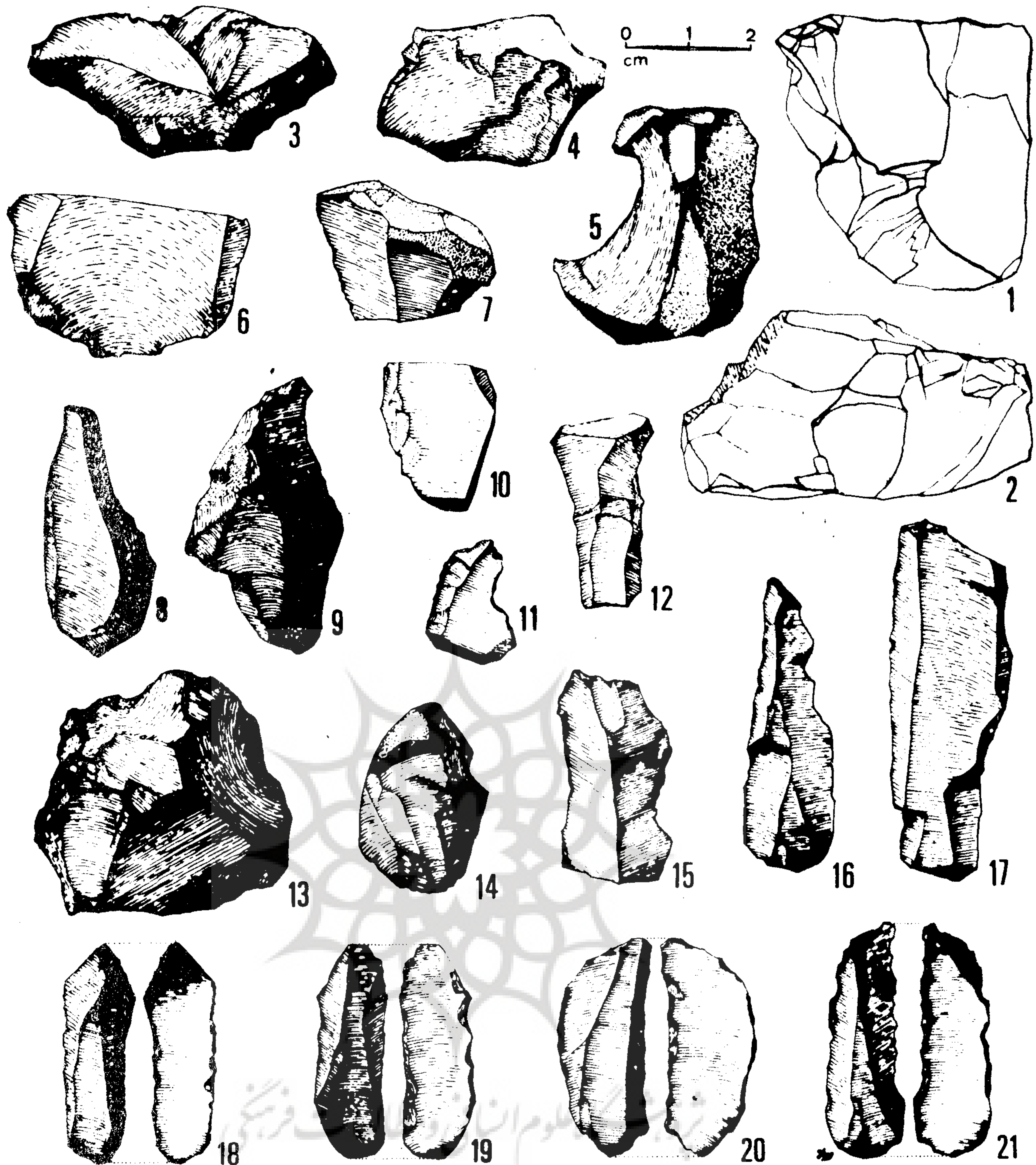


شکل ۴
رود فہرج ، بتا نمونہ های سنگی

Fig. 4: Rud-e-Fahraj-beta.

- 1= nucleus pyramidal
- 2 a 6 = éclats varies
- 7= fragment distal de lame raccourcie retouches :
- 8= lamelle de calcedoine utilisée sur tranchant distal;
- 9= éclat lamellaire retouches;
- 10= grattoir unguiforme.

۳
۲/۴



پرتال جامع علوم انسانی

شکل ۵

رود فہرج ، گاما نمونہ های سنگی

Fig. 5: Rud-e-Fahraj-gamma.

1 et 2 : nucleus irreguliers: 3 a 6 = eclats varies:

7 = éclat casse: 8 et 9 = eclats laminaires epais, arques retouches: 10= éclat casse, retouches: 11 = petite encoche:

12 = fragment distal de lame: 13 = grattoir a encoches epais: 14= nucleus à microlamelle utilise en grattoir: 15 et 17= fragments medians de lames: 16= petite lame pointue : 18 et 19= lamelles à retouche ventrale 20 et 21= lamelles à extremité déjetée.

مقایسه

بسیاری از محققان درباره کمبود آثار گذشته دوره نوسنگی انسانی در جنوب ایران متفق القولند .

محل نمونه های ذکر شده در این مقاله پس از پانزده روز مطالعه در منطقه پیدا شده است .

آنچه را که در مورد موستنه رین MOUSTERIEN در دوره بردسیر^۱ گفته شده چندان اقناع کننده نیست چون فقط چهار شیئی فاقد تیپ مشخص در سطح زمین بدست آمده است و آنچه را هم که در دره لاله زار بدست آورده اند با سرامیک قرمز همراه است .

در صنعت تل ابلیس سنگی هم . ۵۰ درصد از حلقه های مختلف و ۲۰٪ در صد آلات سنگی تل ابلیس شکل وجود دارد در صنعت سنگی کوه بنان (کرمان) تکه های کوچک سنگی باشکل هندسی منظم و تیغک های دستکاری شده و تعداد زیادی هستک مخروطی دیده میشود و این مجموعه فقط اطلاعاتی مختصر از صنعت سنگی ناحیه کرمان و بوم ما میدهد .

نتیجه

همانقدر که محل برداشت نمونه های مادر کنار یک تراس رودخانه ای است خود مؤید اصالت آنست و وجود آب دائمی خود از دلایل اصلی تجمع انسان های اولیه بشمار میرود و احتمال دارد که محل های دیگر مشابه آنچه که دیده شده است در کنار رودخانه یافت شود اما کوشش ما برای یافتن محل های دیگری در طول جاده فهرج - نصرت آباد با نتیجه منفی توأم بوده است .

با توجه باینکه چند نوع صنعت سنگی در یک محل یافت شده است نشان میدهد که زنده گی در این محل تا حدی مداوم بوده است . و این امر برای یافتن رسوب های رودخانه ای و حتی صنعت سنگی مشکلاتی بوجود می آورد .

۱- رجوع شود به زیر نویس متن فرانسه و منابع مقاله به زبان فرانسه

شواهد ژئومورفولوژیکی بسیار ضعیف است. چون منطقه فرسایشی به ضخامت پنج متر از زمان تشکیل تراس متحمل شده است و این فرسایش بیشتر به اثر باد مربوط بوده و پیدایش کلوتهای نشانه‌ای از این اثر ائولین بشمار می‌آیند. ضمناً باید یادآور شد که تشکیلات کلوت این ناحیه هم از کلوتهای لوت مرکزی نیست و نسبت به آنها جدیدتر است.

شواهد تشخیصی در این منطقه کم است چون اجتمات کم بوده و نقاط قابل مقایسه اصلاً وجود ندارد. تشابهی که میتوان در این کلسیون با صنعت‌های مختلف سنگی انسانی بدست آورد بخاطر فقدان دلایل کافی جنبه فرضی دارد و در این زمینه میتوان گفت که صنعت آلفا β - مشابه پارینه سنگی (پالئولیتیک) فوقانی و صنعت گاما مشابه نوسنگی (نئولیتیک) است.

از این مطلب بویژه وجود دوره‌ای پرباران در دوران چهارم جدید برابر اواخر پلیستوش و آغاز دوره هولوسن نتیجه میشود.

تشکرات = لازم میدانم از همکاران ایرانی که مرا با محبت پذیرفته‌اند تشکر کنم به ویژه از استاد مستوفی که مرا از نظریات درست و تجربیات خود بهره‌مند نموده است و همچنین استاد معتمد که راهنماییهای لازم را نموده‌اند تشکر مینمایم.

پرتال جامع علوم انسانی